رخداد

اعتیاد فرزند، قتل مادر را رقم زد

■ **شرق:** پسری برای تهیه هزینه موادمخدر مصرفی خود، پس از درگیری و مشاجره با مادرش، او را به قتل رساند. ماموران اداره جنایی پلیس آگاهی شهریار با دریافت گزارش مردمی از طریق مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر استشمام بوی تعفن از منزل یکی از همسایه‌ها و احتمال وقوع قتل، برای بررسی موضوع در محل موردنظر حاضر شدند و جسد پیرزنی را در انباری منزل کشف کردند.

ماموران در بررسی‌های اولیه از محل وقوع جنایت و تحقیق از همسایه‌ها دریافتند مقتول همراه با فرزند معتادش زندگی می‌کرد. چند روز پیش از وقوع حادثه، از منزل آنها صدای مشاجره و درگیری شنیده شده بود بنابراین پسر مقتول به نام هوشنگ به عنوان اولین مظنون تحت تعقیب قرار گرفت و کارآگاهان وی را در کمتر از یک ساعت دستگیر کردند. هوشنگ با انتقال به پلیس آگاهی در بازجویی‌های فنی از راز قتل مادرش پرده برداشت و گفت: «سه روز پیش از مادرم درخواست مبلغی پول برای خرید موادمخدر کردم اما مادرم از پرداخت پول خودداری کرد و در نتیجه مشاجره لفظی بین ما رخ داد. من هم به دلیل عصبانیت مادرم را هل دادم که بر اثر برخورد او با دیوار از گوشش خون آمد و من نیز از روی ترس، جسد مادرم را داخل گونی کردم و در انباری منزل پنهان کردم تا در یک فرصت مناسب آن را به بیرون از منزل انتقال دهم.» بنا براین گزارش تحقیقات از این متهم همچنان ادامه دارد.

سرقت‌های مسلحانه ماموران قلابی

■ **شرق:** دو سارق حرفه‌ای که با معرفی خود به عنوان ماموران انتظامی اقدام به سرقت مسلحانه می‌کردند شناسایی و دستگیر شدند. سرهنگ محسنی رییس پلیس آگاهی استان خوزستان با اعلام این خبر افزود: «سارقان با در دست داشتن اسلحه، بی‌سیم و دستبند با استفاده از یک دستگاه موتوسیکلت پس از شناسایی خودروهای باری سنگین به سراغ رانندگان می‌رفتند و اقدام به سرقت خودرو به همراه بار آن می‌کردند و بلافاصله از محل می‌گریختند.»

وی ادامه داد: «کارآگاهان با دریافت چند گزارش در این‌باره وارد عمل شدند و با انجام اقدامات اطلاعاتی و استفاده از اطلاعات مردمی، موفق به شناسایی محل اختفای هر دو مجرم شدند و آنها را هنگامی که در حال استعمال شیشه بودند به دام انداختند در بازرسی از محل زندگی مجرمان مقدار زیادی از اموال مسروقه کشف و ضبط شد و در نهایت متهمان پس از اعتراف به جرم خود با صدور قرار قانونی روانه زندان شدند.

استرداد کلاهبردار فراری از ازبکستان

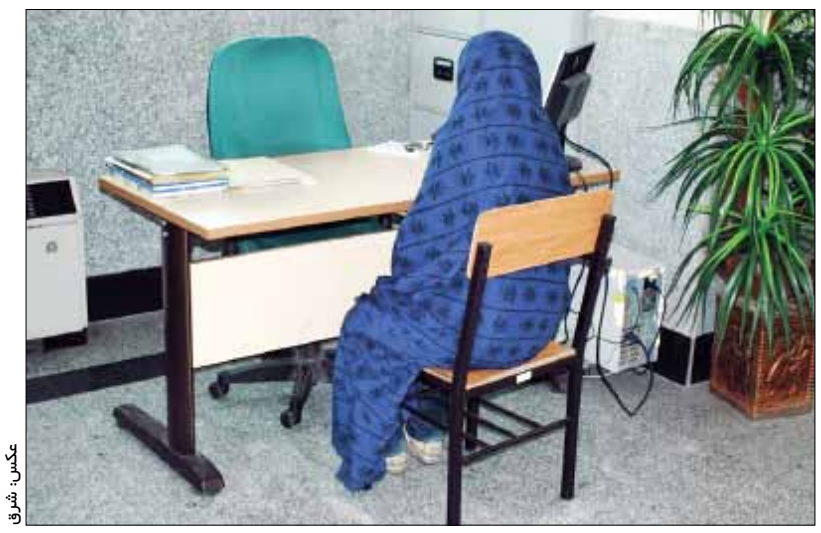
■ **پلیس‌خبر:** کلاهبردار فراری که به کشور ازبکستان متواری شده بود، به ایران بازگردانده شد. در پی شکایت شخصی مبنی بر وقوع کلاهبرداری توسط فردی به نام «الف – الف» که با اخذ مبلغی هنگفت برای وارد کردن لوازم برقی به خارج از کشور متواری شده است، موضوع از طریق مراجع قضایی به پلیس بین‌الملل ارجاع و با توجه به مستندات موجود مبنی بر احتمال ورود متهم فراری به کشورهای امارات، قزاقستان یا ازبکستان، ردیابی و دستگیری وی از اینترپل این کشورها درخواست شد.

به این ترتیب متهم که در فروردین ماه پس از کلاهبرداری به مبلغ بیش از یک میلیارد ریال از کشور متواری شده بود، در ازبکستان دستگیر و به کشور مسترد شد. این کلاهبردار که به شش زبان روسی، تاجیکی، آذری، ازبکی، عربی و انگلیسی تسلط دارد پس از دستگیری روز جمعه گذشته توسط تیم استرداد اعزامی به کشورمان مسترد و تحویل مراجع قضایی شد. بنا بر این گزارش، سال‌جاری بیش از ۲۰ نفر از متهمان تحت‌تعقیب مراجع قضایی ایران، در خارج از کشور شناسایی و بازداشت شدند و بسیاری از آنها پس از انجام اقدامات قانونی و تشریفات لازم به کشور مسترد شدند و تعدادی از آنها پس از انجام مراحل مقدماتی استرداد، به زودی به کشور بازگردانده خواهند شد.

کلاهبرداری با فروش واحدهای آپارتمانی

■ **باشگاه خبرنگاران:** مردی که با عنوان جعلی مهندس پیمانکار با دریافت پول‌های هنگفت برای خانه‌دار کردن افراد کلاهبرداری کرده و متواری شده بود عاقبت دستگیر شد. در پی اعلام شکایت‌های برخی از شهروندان درخصوص کلاهبرداری از اموال‌شان از سوی کلاهبردار شیادی با عنوان مهندس پیمانکار که قرار بود در موعد مقرر واحدهای آپارتمانی پیش‌فروش شده را به آنها تحویل دهد اما واحدها را به چندین نفر دیگر فروخته و پس از کلاهبرداری‌های بسیار متواری شده بود، پرونده‌ای در این خصوص تشکیل شد و برای رسیدگی بیشتر در دستور کار ماموران قرار گرفت. ماموران با ردیابی‌های پلیسی و با در اختیار داشتن تصویر چهره‌نگاری شده متهم، عاقبت پس از ۱۷ ماه موفق به شناسایی و دستگیری این مرد در محل اختفایش در اصفهان شدند و وی را به تهران انتقال دادند. رسیدگی به اتهامات این مرد در دادسرای ناحیه ۱۰ تهران آغاز شده است.

بازگشت کودک ربوده‌شده به خانه پس از ۴ سال


عکس: شرق

شرق: ناباروری انگیزه‌ای شد تا زن جوان کودک دوماهه‌ای را برباید و چهار سال او را به عنوان فرزند در خانه‌اش نگه دارد، اما پیگیری‌های مادر واقعی کودک سرانجام پسرک را به خانواده واقعی‌اش بازگرداند.

زن جوانی به نام لیدا سال ۸۶ به ماموران پلیس دلوار شهرستان بوشهر مراجعه کرد و گفت زنی کودک دوماهه‌اش را دزدیده است. این زن به پلیس گفت: «مریض بودم و به درمانگاه رفته بودم. پسر دوماهه‌ام مهدی را هم با خودم برده بودم در آنجا با زن جوانی آشنا شدم که خیلی مهربان و خوش‌صحبت بود و در همان دقایق اول توانست اعتمادم را جلب کند، طوری که او را با خودم به خانه بردم و از وی پذیرایی کردم اما در لحظه‌ای که به آشپزخانه رفته بودم، او پسرم را ربود و از خانه فرار کرد.»

وقتی ماموران شکایت این زن را مورد بررسی قرار دادند، متوجه شدند که زن کودک‌ربا سوار بر خودرو پژو از محل فرار کرده است. در شرایطی که چهره‌نگاری از متهم انجام شده و هویت او به دست آمده بود، هیچ ردپایی از او وجود نداشت و کارآگاهان نمی‌دانستند این زن به کجا گریخته است. کارآگاهان در حالی که تصور می‌کردند زن جوان با انگیزه اخاذی از این خانواده اقدام به نوزادربایی کرده است، منتظر ماندند تا او با مادر مهدی تماس بگیرد و خواسته‌اش را اعلام کند، ولی این اتفاق رخ نداد و انگیزه ربودن پسر دوماهه در هاله‌ای از ابهام باقی ماند. از سویی تجسس‌های صورت‌گرفته درباره محل اختفای متهم به نتیجه نرسید. تحقیقات به کندی پیش می‌رفت و والدین کودک به شدت نگران او بودند و حتی به این نتیجه رسیدند که شاید فرزندشان جان باخته باشد، اما در نهایت بعد از چهار سال پلیس توانست رد زن کودک‌ربا را در تهران به دست بیاورد. ماموران با توجه به مشخصاتی که از متهم و ردیابی خودرو او داشتند، محل زندگی زن کودک‌ربا را شناسایی کردند. بنابراین ماموران پلیس بوشهر با کارآگاهان پلیس تهران هماهنگی‌های لازم را انجام دادند و فاش شد متهم بعد از اینکه مهدی را ربوده، به شهرستان ورامین رفته و در آنجا زندگی مخفیانه‌ای را آغاز کرده است. بنابراین با هماهنگی‌های انجام‌شده پلیس موفق شد زن کودک‌ربا را در خانه‌اش بازداشت و مهدی را نیز در خانه این زن پیدا کند. بعد از اینکه مهدی بعد از چهار سال به مادر واقعی‌اش در بوشهر تحویل داده شد متهم مورد بازجویی قرار گرفت. او که از کرده خودش پشیمان بود، گفت: من بچه‌دار نمی‌شدم و خیلی دوست داشتم پسری داشته باشم. همیشه بابت این موضوع ناراحت بودم تا اینکه به بوشهر سفر کردم و در شهر دلوار به طور اتفاقی در درمانگاه زنی جوان را دیدم. نوزادی که همراه داشت، خیلی شیرین و بامزه بود و توجهم را جلب کرد. جلو رفتم تا بچه‌را ببینم. یک لحظه به فکرم رسید بچه را بدزدم و خودم او را بزرگ کنم، برای همین با مادر او طرح دوستی ریختم و به خانه‌اش رفتم. بعد از آن نقشه‌ام را اجرا کردم. وقتی بچه را با خودم به ورامین بردم، دیگر فکر نمی‌کردم که کسی سراغم را بگیرد. من در این مدت خیلی از مهدی مراقبت کردم و نگذاشتم به او سخت بگذرد و او واقعا مثل بچه خودم بود.

بنا بر این گزارش بازجویی‌ها از متهم توسط پلیس بوشهر ادامه دارد.

پدر نهال سحابی در گفت‌وگو با «شرق»:

خودکشی دخترم ارتباطی به مرگ بهنام ندارد

نهال سحابی زن ۳۷ساله‌ای است که یک هفته پیش دست به خودکشی زد. مرگ این زن حرف و حدیث‌های زیادی را به‌دنبال داشت. برخی سایت‌ها و خبرگزاری‌ها این واقعه را به خودکشی جوانی به نام بهنام گنجی که یک ماه قبل به زندگی‌اش پایان داده بود، مربوط دانستند. حتی شائبه یک خودکشی عاشقانه نیز در مورد نهال مطرح شد. پدر نهال در گفت‌وگویی با «شرق» ضمن رد انگیزه عاشقانه در خودکشی دخترش، درباره جزییات این حادثه توضیح داد.

روایت‌های مختلفی از فوت دختر شما می‌شود، روایت شما چگونه است؟

متاسفانه یا خوشبختانه، نهال دیدگاه‌های بلند و بالایی داشت. روحی متمایز از روح افراد اطراف خود داشت. همیشه به من می‌گفت، بابا، جایگاه من، جایگاه دیگری است و من باید خواب آسوده‌ای برای خود تهیه کنم.

هر وقت با او صحبت می‌کردم و می‌پرسیدم به چه دلیل، می‌گفت، دلیلش را نپرس. احساس می‌کنم باید به جای دیگری بروم که با شرایط روحی من ساخته شده باشد. من هر جا که در آسمان‌ها باشم، ایمان داشته باشید، پیش شما هستم. جای نگرانی نیست ولی دیگر شرایط جسم و جانم پذیرای ناراحتی و مسایلی که دور و بر من و فی‌مابین دوستانم اتفاق می‌افتد نیست و دوست ندارم زنده باشم.

شما اشاره کردید، دخترتان بارها درباره شرایط خود و جامعه با شما صحبت کرده است. دخترتان به چه چیزهایی اشاره می‌کرد؟

وی از زمان بچگی بسیار حساس و عاطفی بود. هر چیز ناملایمی را که می‌دید، حتی وقتی کار خلافی از کسی می‌دید، بسیار ناراحت و برافروخته می‌شد. به دلیل این شرایط روحی خیلی اذیت می‌شد. تمام این مسایل جمع می‌شود و بالاخره یک روز به چنین اتفاقی منجر خواهد شد.

آیا شما با او صحبت می‌کردید؟

بله. من بارها با او صحبت کردم و او را از این مساله منصرف می‌کردم.

کی متوجه شدید که تصمیمش قطعی است؟

شب قبل از این اتفاق با من صحبت کرد و می‌گفت مسایلی اتفاق می‌افتد که دیگر تحمل آنها را ندارم. من هم با او صحبت کردم و دلداری‌اش دادم.

آیا این موضوع ربطی به مسایل سیاسی داشته است؟

خیر، ربطی نداشته. طبیعی است که اخبار گوناگون و گرفتاری‌های گوناگون تاثیر خودش را می‌گذارد. به عبارتی رخدادها و مسایل گوناگونی که اتفاق می‌افتد انسان را کنجکاوتر می‌کند و باعث می‌شود نگاهش نیز تغییر کند.

آیا دختر شما قبل از این نیز اقدامی برای خودکشی انجام داده بود؟

خیر. صحبت‌هایی می‌کرد اما به طور عملی تاکنون هیچ کاری انجام نداده بود.

آیا علاقه‌ای‌عاطفی بین نهال سحابی و بهنام گنجی وجود داشته است؟ چرا که برخی مرگ این دو را مرتبط به هم می‌دانند؟

نه. هیچ علاقه عاطفی وجود نداشته است. بهنام جوانی ۲۲ساله بوده و دختر من ۳۷ ساله بوده است. دخترم خیلی پخته‌تر و با کفایت‌تر از این حرف‌ها بود. این دو، دو فرد با دو تفکر مختلف بودند. همزمانی بعضی مرگ‌ها هم ممکن است در دو سر دنیا نیز اتفاق بیفتد. بعد از مرگ دخترم مطالبی خلاف واقع منتشر شده که کاملا با آن‌چیزهایی که درباره او در جریان بود، مغایر است.

آیا در مدت اخیر، نهال سحابی بازداشت یا به زندان رفته بود؟

خیر.

در خاکسپاری خانم سحابی مشکلی از ناحیه ماموران برای شما ایجاد نشد؟

خیر. مشکلی نداشتیم.

شغل دخترتان چه بود؟

مدیر دو شرکت معتبر ساختمانی بود که برای پروژه‌های دولتی کار انجام می‌داد.

کلاهبرداری از زندان

شرق: مردی که به صورت تلفنی گل‌فروشی را فریب داده و به حساب بانکی‌اش دستبرد زده بود، در زندان شناسایی شد.

به گزارش خبرنگار ما، چندی قبل صاحب یک گل‌فروشی نزد ماموران پلیس پایتخت رفت و گفت فرد ناشناسی با ترفندی پیچیده به حساب بانکی‌اش دستبرد زده است. این مرد در این‌باره گفت: چند روز قبل مردی با مغازه‌ام تماس گرفت و برای مراسم ختم یک تاج گل بزرگ سفارش داد. او خودش را مهندس معرفی کرد و گفت به دلیل مشغله کاری فرصت آمدن به گل‌فروشی را ندارد و چند ساعت پیش از تحویل گرفتن تاج گل پول آن را به حسابم واریز می‌کند. من هم صبح فردای آن روز دست به کار شدم و تاج گل بزرگی درست کردم که ۳۰۰هزار تومان ارزش داشت. چند ساعت پیش از موعد تحویل دادن تاج‌گل مهندس تماس گرفت و گفت می‌خواهد از طریق دستگاه خودپرداز پول گل را پرداخت کند. او شماره حسابم را گرفت و گفت تا چند دقیقه دیگر پول‌ها به حسابم واریز می‌شود، اما در تماس بعدی‌اش گفت احتمالا شماره حسابم مشکلی دارد و نمی‌تواند پول را واریز کند. او این بار پیشنهاد دیگری را مطرح کرد و از من خواست جلو نزدیک‌ترین دستگاه خودپرداز بروم تا از راه دیگری پول تاج گل را پرداخت کند. زمانی که کارتم را وارد دستگاه کردم، مهندس که به‌طور تلفنی راهنمایی‌ام می‌کرد، از من خواست هنگام انتخاب زبان، انگلیسی را انتخاب کنم. در مرحله بعد گزینه‌ای را انتخاب کردم و وارد انتقال وجه شدم. در ادامه مهندس شماره کدی را به من اعلام کرد و من آن را به صورت دو رقم دو رقم وارد کردم و در ادامه شماره کارت او را وارد دستگاه کردم. او گفت با انجام این کار پول تاج گل به حسابم واریز می‌شود. بعد از انجام این مراحل به مغازه‌ام برگشتم و منتظر شدم تا مهندس کسی را برای تحویل گرفتن گل‌ها بفرستد اما هر چه تا شب صبر کردم، خبری از او نشد. من که از این ماجرا تعجب کرده بودم، فردای آن روز به بانک رفتم تا موجودی حسابم را کنترل کنم اما فهمیدم موجودی حسابم صفر است. ابتدا فکر کردم شماره حسابم را اشتباه وارد کرده‌ام اما وقتی از کارمند بانک توضیح خواستم، او گفت پول‌هایم از طریق دستگاه خودپرداز به حساب دیگری منتقل شده است. آن زمان بود که فهمیدم فردی که سفارش گل داده بود، با شگردی پیچیده کاری کرده که با دستان خودم پول‌هایم را به حسابش واریز کنم. در پی ثبت این شکایت به دستور بازپرس دادسرای رسیدگی به جرایم رایانه‌ای افسران پلیس فتا برای شناسایی عامل این کلاهبرداری به تکاپو افتادند. یکی از سرنخ‌هایی که ماموران در اختیار داشتند، شماره‌ای بود که مرد ناشناس از طریق آن تماس گرفته بود. به این ترتیب این شماره ردیابی و مشخص شد مرد ناشناس از داخل یکی از زندان‌ها نقشه پیچیده‌اش را اجرا کرده است. به این ترتیب این مرد که به اتهام کلاهبرداری در زندان به سر می‌برد، شناسایی و به دادسرا منتقل شد. او گفت این نقشه را از یکی از هم‌بندی‌هایش یادگرفته است.

هم‌اکنون تحقیقات در این‌باره ادامه دارد.

دختر جوان، قربانی بدبینی برادر

شرق: رابطه پنهانی دختری جوان با مردی غریبه به قیمت جانش تمام و باعث شد برادرش او را در خواب خفه کند.

به گزارش خبرنگار ما، اوایل شهریورماه به ماموران پلیس آگاهی استان فارس خبر رسید دختری جوان در خانه‌اش به‌طرز مشکوکی فوت شده است. زمانی که کارآگاهان جنایی در محل حادثه حاضر شدند در تحقیقات مقدماتی معلوم شد دختر ۲۳ساله به‌نام راحله به قتل رسیده است. جسد دختر جوان در رختخواب و در حالی کشف شد که اطراف گلویش کبودی‌های زیادی به چشم می‌خورد و این موضوع نشان می‌داد او در نقشه‌ای از پیش طراحی‌شده از پا درآمده است.

جنازه پس از ثبت جزییات صحنه قتل، به پزشکی قانونی منتقل شد و افسران آگاهی تلاش‌شان را برای رازگشایی از این جنایت هولناک آغاز کردند. یک روز پس از این جنایت، در حالی که هنوز سرنخ‌های چندانی در این‌باره به دست نیامده بود مادر راحله نزد ماموران رفت و پسرش را به عنوان قاتل دخترش معرفی کرد. او گفت: پسرش جواد از مدت‌ها قبل با خواهرش اختلاف داشت و حتی چند مرتبه او را به مرگ تهدید کرده بود و سرانجام شب گذشته او را در خواب خفه کرد.

هنوز دقایقی از اظهارات این زن نگذشته بود که ماموران سراغ پسر جوان رفتند و او را بازداشت کردند. پسر جوان در بازجویی‌های مقدماتی اتهام قتل خواهرش را پذیرفت و گفت: چون راحله با مردی غریبه رابطه پنهانی داشت او را کشته است. وی در این خصوص گفت: چند ماه قبل یکی از دوستانم به من گفت، خواهرم با مردی غریبه رابطه دارد. ابتدا این حرف را باور نکردم اما چند روز بعد تصمیم گرفتم خواهرم را تعقیب کنم. یک‌روز زمانی که او از خانه بیرون رفت سایه به سایه تعقیبش کردم و فهمیدم حرف‌های دوستم درباره راحله صحت دارد. در حالی که عصبانی شده بودم سراغ خواهرم رفتم و از او در این‌باره توضیح خواستم اما او گفت با هیچ‌کس رابطه‌ای ندارد و این حرف‌ها دروغ است. انکارهای راحله در حالی بود که خودم او را با مردی غریبه دیده و مطمئن بودم او آبروی خانوادگی‌مان را به بازی گرفته است. به همین دلیل تصمیم گرفتم او را بکشم.

متهم به قتل ادامه داد: چند روز فکر کردم تا راه مناسبی برای کشتنش پیدا کنم تا اینکه به این نتیجه رسیدم که بهترین راه برای کشتن او خفه کردنش است. شب حادثه در حالی که همه خواب بودند سراغ راحله رفتم. روسری‌اش را از کنار دستش برداشتم و آن را دور گلویش گره زدم. آن زمان او هنوز خواب بود. در حالی که خشم تمام وجودم را فرا گرفته بود دو سر روسری را از دو طرف محکم کشیدم و پیش از آنکه راحله بتواند عکس‌العملی از خودش نشان دهد، او را کشتم. بعد هم به رختخوابم رفتم و خوابیدم. من از این کارم ذره‌ای هم پشیمان نیستم. راحله با این کارش آبروی خانوادگی‌مان را برده بود و باید مجازات می‌شد.

به دنبال اعترافات جوان خواهرکش، او به محل جنایت منتقل شد و در حضور بازپرس جنایی صحنه قتل خواهرش را بازسازی کرد.

بر اساس این گزارش، هم اکنون جواد در بازداشت به سر می‌برد و قرار است به زودی در دادگاه کیفری استان فارس در برابر اتهام قتل خواهرش از خود دفاع کند.

پنج قاره

سفر به دور دنیا با هواپیمای دست‌ساز

ایسنا: زوج بریتانیایی پس از ۱۶سال تلاش توانستند هواپیمایی بسازند و به دور دنیا سفر کنند. «پاتریک الیوت» ۵۷ساله که خلبان بازنشسته است، این هواپیما را با کمک همسرش در گاراژ خانه‌اش ساخته است. این زوج زمانی که تصمیم به ساخت این هواپیما گرفتند، تصور نمی‌کردند بتوانند به ۳۲ کشور جهان سفر کنند. این زوج در طول سفر یک‌ساله خود حدود ۱۳۲۰ گالن سوخت خریداری کردند. پاتریک گفت: در حین سفر با مشکلاتی روبه‌رو بودیم برای مثال یک‌بار نزدیک بود به دلیل شدت وزش باد در جزیره «کرت» یونان سقوط کنیم اما توانستیم صحیح وسالم فرود بیاییم.

قتل در زندان

ایسنا: دو مرد زندانی در انگلستان هم‌بند خود را که به جرم تجاوز دستگیر شده بود، به قتل رساندند. مسوولان زندان «دورهم» جسد «میشل هریسون» ۲۳ساله را در حالی که غرق در خون بود، داخل سلولش پیدا کردند. به گفته مسوولان زندان، این زندانی بر اثر جراحت‌های متعددی که به بدنش وارد شده، جان باخته است. «هریسون» ژانویه‌سال گذشته به جرم تجاوز به یک دختر۱۳ساله به ۴/۵سال حبس محکوم شده بود.

سیل در ویتنام

آسوشیتدپرس: ۱۱ نفر بر اثر جاری شدن سیل ناشی از باران‌های موسمی در ویتنام کشته شدند. علاوه بر مرگ این ۱۱ نفر بارش‌های پی‌درپی ناشی از توفان «نسات» به ۲۰ هزار خانه و بیش از پنج‌هزار هکتار از شالیزارهای پنج‌استان ویتنام آسیب رسانده است.

مردی پس از ۱۱سال پیاده‌روی به مقصد رسید

ایسنا: مردی کانادایی پس از ۱۱سال راه رفتن و پیمودن ۷۵ هزار کیلومتر سرانجام به «تاوا» رسید. «ژان بلیوا» ۵۶ساله، ۱۱سال پیش تصمیم گرفت برای گسترش صلح و کمک به قربانیان خشونت، این حرکت نمادین را آغاز کند. او با پای پیاده ۷۵ هزار کیلومتر را پیموده و به ۶۴ کشور جهان سفر کرده است. «بلیوا» اواخر ماه ژانویه از «ونکوور» به سمت «تاوا» حرکت کرد و پس از هشت ماه به آنجا رسید. او سفرش را با چهار هزار دلار آغاز کرد و همسرش نیز هرسال مبلغی برای او می‌فرستاد اما بیشتر هزینه سفرش را مردم کشورهای مختلف تامین می‌کردند. «ژان» در طول سفر ۵۳ جفت کفش پاره کرد و مشکلات زیادی را هم متحمل شد اما به خاطر هدفش تمام سختی‌های سفر را تحمل کرد. او قرار است در مورد سفر و تجربیاتش کتابی بنویسد.

کشتی باری به گل نشست

آسوشیتدپرس: به گل نشستن یک کشتی باری در آب‌های سواحل شمالی تایوان منجر به کشته شدن چهار نفر از خدمه و ناپدید شدن شش نفر دیگر شد. ۱۱ ملوان دیگر نیز از این کشتی نجات داده شده‌اند. وزیر دفاع تایوان اعلام کرده است؛ این کشتی دارای ۲۱ خدمه بود که پس از برخورد با صخره‌های نزدیک ساحل در ساعات اولیه دیروز متلاشی شد. ملیت خدمه این کشتی ثبت شده در پاناما معلوم نیست و امدادگران هنوز در حال جست‌وجو برای یافتن ناپدیدشدگان هستند.

مردی گواهی فوت خودش را امضا کرد

یونایتدپرس: دادگاهی در انگلیس مرد ۶۶ساله‌ای را به اتهام کلاهبرداری به شش‌سال زندان محکوم کرد. آنتونی مکارلین بر اساس مدارک موجود و گواهی فوت باید در دسامبر ۲۰۰۹ در هندوراس مرده باشد. بر اساس مدارک موجود خود این فرد مدارک مرگش را امضا کرده و این طور نشان داده که هنگام تعویض لاستیک تراکتور در هندوراس جان خود را از دست داده است. آنتونی بعد از مرگ صوری به انگلیس بازگشت و بعد از امضای مدارک قانونی از شرکت بیمه تقاضای دریافت ۵۲۰ هزار پوند حق بیمه عمر خود را کرد اما مامور بیمه فهمید اثر انگشت جدید با اثر انگشت روی گواهی فوت و سایر مدارک قدیمی بیمه یکی است به این ترتیب متهم لو رفت و بعد از محاکمه به شش‌سال حبس محکوم شد.

نگاه

قتل‌های ناموسی



امان‌الله قرایی‌مقدم
جامعه‌شناس و استاد دانشگاه

■ قتل‌های ناموسی یکی از انواع قتل‌های تعصبی است که در جوامع طایفه‌ای و قبیله‌ای بیشتر دیده می‌شود و در گوشه و کنار ایران نیز شاهد وقوع مواردی از آن هستیم، البته آمار قتل‌های ناموسی در سال‌های اخیر رو به کاهش رفته است.

به طور کلی این قتل‌ها ناشی از تعصباتی است که جامعه از نظر فرهنگی نسبت به زنان و دختران دارد. بی‌ارزش دانستن دختران، ندادن حق انتخاب به آنها و داشتن اختیار کامل نسبت به آنان از ویژگی‌های این نوع تعصب است و در این شرایط وقتی رابطه نامشروعی شکل می‌گیرد، حیثیت و شرف خانواده زیر سوال می‌رود، البته در جامعه طایفه‌ای به دلیل اینکه خانواده‌ها مانند خانواده‌های شهری به شکل هسته‌ای نیستند، فقط موضوع خانواده در میان نیست بلکه کل قبیله آبروی خود را بر باد رفته می‌بینند و به همین دلیل همگی درصدد انجام قتل برمی‌آیند و حتی در مواردی برای کشتن دختر افرادی را اجیر می‌کنند.

در برخی موارد نیز دیده می‌شود قتل‌های ناموسی در شهرها اتفاق می‌افتد، اما با دقت و بررسی می‌توان دریافت که آن خانواده ریشه طایفه‌ای دارد و این فرهنگ در ذهن اعضای آن رسوب کرده و شخصیت بنیادی و اساسی آنها در دوران کودکی به این صورت شکل گرفته است. ضمن اینکه در شهرهای کوچک ترس از شناخته‌شدن توسط دیگران و بی‌آبرو شدن همچنان وجود دارد اما این‌گونه قتل‌ها در شهرهای بزرگ به دلیل نبود هراس از شناخته‌شدن، بیشتر اتفاق می‌افتد. ضمن اینکه تاثیر جامعه شهری بزرگ در افراد بیشتر و تعصبات در این محیط‌ها کمتر است.

برای مقابله با قتل‌های ناموسی باید توجه داشت که فرهنگ دو جنبه مادی و معنوی دارد. فرهنگ مادی را می‌توان به سرعت تغییر داد، اما فرهنگ معنوی در درازمدت متحول می‌شود. به عنوان مثال می‌توان آخرین تکنولوژی را به سرعت هر چه تمام‌تر وارد یک جامعه کرد اما فرهنگ استفاده صحیح از آن به راحتی به وجود نمی‌آید. بنابراین تغییرات فرهنگی کندگذر هستند و خرده فرهنگ‌ها به شدت در برابر این اتفاق مقاومت می‌کنند ولی در حال حاضر روند تغییرات شتاب گرفته است. به عنوان مثال اگر در گذشته حتی یک قرن طول می‌کشید تا یک عنصر فرهنگی تغییر کند اکنون این اتفاق در عرض چند سال رخ می‌دهد که یکی از دلایل این اتفاق وجود رسانه‌ها، گسترش اینترنت و... است.

بالا بردن سطح سواد و ارایه آموزش از طریق رسانه‌ها مهم‌ترین اقداماتی است که باید برای مقابله با قتل‌های ناموسی انجام شود و همان‌طور که گفته شد این اقدامات به زودی نتیجه نمی‌دهد.

حادثه‌ها

مرگ دختر دانشجو در خوابگاه دانشگاه امیرکبیر

■ **فارس:** یک دانشجوی دختر دانشگاه صنعتی امیرکبیر، دیروز در یکی از خوابگاه‌های این دانشگاه فوت شد. (آمنه-ز) دانشجوی ۲۶ساله دانشگاه صنعتی امیرکبیر که در مقطع کارشناسی و در رشته پلیمر و رنگ در این دانشگاه مشغول تحصیل بود، پیش از ظهر دیروز در خوابگاه شهید مرادی واقع در خیابان رشت دانشگاه صنعتی امیرکبیر فوت شد.

این دانشجو در حین استحمام بی‌هوش و در ساعت ۱۲:۴۵ توسط دانشجویان به بیمارستان فیروزگر منتقل شد و در نهایت تلاش پزشکان به نتیجه‌ای نرسید و این دانشجو در ساعت ۱۳:۵۵ جان باخت. نظریه اولیه کارشناسان این است که این دانشجو در حین استحمام و بر اثر استنشاق گاز اسید که از چاه فاضلاب منتشر شده دچار گازگرفتگی شده و فوت کرده است.

نجات معجزه‌آسای مادر و دو فرزند

■ **شرق:** مادر و دو فرزند خردسالش به طور معجزه‌آسایی از حادثه واژگونی خودرو سواری جان سالم به در بردند. به گزارش روابط عمومی سازمان آتش‌نشانی تهران، این حادثه شامگاه یکشنبه در شهرک قدس، خیابان فرهنگ رخ داد و در جریان آن خودرو سواری به رانندگی زنی ۳۵ساله که دو فرزند ۱۸ماهه و ۳/۵ساله‌اش را همراه خود داشت، پس از انحراف از مسیر روی سقف واژگون شد. با اعلام رخداد این حادثه به ستاد فرماندهی آتش‌نشانی تهران در ساعت ۱۹:۱۵ بلافاصله گروه نجات سه آتش‌نشانی روانه محل حادثه شد. مجید شهرمی، فرمانده نجاتگران با بیان اینکه مادر و دو فرزند خردسالش به طور معجزه‌آسایی از این حادثه جان به سلامت بردند و آسیب جدی ندیدند، افزود: نجاتگران آتش‌نشانی بی‌درنگ پس از ایمن‌سازی محل حادثه خودرو سواری را که آسیب دیده بود، به حالت اولیه برگرداندند و با به کارگیری جرثقیل به مکان ایمن انتقال دادند.